

لحظه شهادت رهبر انقلاب من در دفترشان بودم | هیچ کس انتظار نداشت که با توجه به ضرباتی که وارد شده بود ایران بتواند به این سرعت پاسخ دهد و مهم تر از آن بتواند چهل روز مقاومت کند؛ این موضوع شوخی نیست.

عباس عراقچی در مصاحبه اختصاصی با شبکه المیادین؛



شبکه المیادین بخش دیگری از مصاحبه اختصاصی غسان بن جدو با سید عباس عراقچی را منتشر کرد و وزیر امور خارجه ایران در پاسخ به پرسش ها به تشریح حمله و تجاوز به بیت رهبر شهید و روند دیپلماسی، مذاکرات با آمریکا و واکنش جهان در قدرت و سرعت پاسخگویی ایران پرداخت.

به گزارش اسپادانا خبر، غسان بن جدو پرسید:

سید وزیر عزیز، این یک گفت‌وگوی ویژه درباره دیپلماسی، سیاست، مذاکرات و روابط شما با جهان عرب و جهان است. با این حال از شما عذرخواهی می‌کنم، شما اشاره کردید به سید خامنه ای شهید بزرگ رحمه الله. وقتی ایشان در آن فاجعه بزرگ به شهادت رسیدند، چگونه این خبر را دریافت کردید؟ آیا پشت‌صحنه‌هایی هست که بتوانید درباره اش صحبت کنید؟ البته نمی‌خواهم درباره رابطه شخصی‌تان با ایشان صحبت کنید، چون می‌دانم علاقه‌ای به این موضوع ندارید و شاید آن را تبلیغاتی بدانید. اما به صورت تحلیلی بفرمایید، چگونه بود؟

عراقچی پاسخ داد :

لحظه شهادت ایشان، من در دفترشان بودم. یعنی در لحظه‌ای که حمله شد، من هم در همان دفتر حضور داشتم. دفتر حضرت آقا. یادتان هست که روز پنجشنبه ما در ژنو مذاکرات داشتیم، جمعه به تهران برگشتم و شنبه این اتفاق افتاد. شنبه ساعت ۹ صبح به دفتر ایشان رفته بودم و با یکی از مقامات دفتر قرار داشتم تا درباره مذاکرات ژنو گزارش بدهم و همچنین درباره فضایی که از روز جمعه ایجاد شده بود و احتمال جنگ را خیلی بیشتر کرده بود صحبت کنم. ساختمانی که ما در آن نشسته بودیم هدف قرار گرفت، اما بخشی که ما در آن بودیم سالم ماند و بخش دیگری از ساختمان تخریب شد. در لحظه انفجار من آنجا بودم. اولین سؤالی که به ذهنم آمد و اولین نگرانی‌ای که برایم ایجاد شد این بود که وضعیت حضرت آقا چگونه است. امیدوار بودم که ایشان آن لحظه در دفترشان نباشند اما حدس می‌زدم طبق روال کاری در دفتر حضور داشته باشند. با وجود اینکه در آن روزها آمریکایی‌ها آرایش نظامی گسترده‌ای اطراف ما ایجاد کرده بودند و احتمال جنگ زیاد بود، روحیه رهبر شهید این گونه بود که به پناهگاه نمی‌رفتند و در دفتر خود حضور داشتند. از همان لحظه، در حالی که در حال خارج شدن از زیر آوار بودیم، تمام فکر من این بود که آیا ایشان هم هدف قرار گرفته‌اند یا نه. از ساختمان خارج شدیم و من به وزارت امور خارجه برگشتم و تا چهل روز به خانه نرفتم. در وزارت خارجه تلاش کردیم صدای حقانیت مردم ایران را به گوش دنیا برسانیم و از موضع کشور دفاع کنیم و روحیه قوی و با اعتماد به نفس ایران و ایرانیان را به دنیا نشان دهیم. در آن یکی دو روز اول بسیار نگران بودم که چه اتفاقی برای ایشان افتاده، تا اینکه خبر شهادت تأیید شد. این غمی است که هرگز فراموش نمی‌شود. زخمی بر قلب ما وارد شد که شاید هیچ وقت بهبود پیدا نکند. البته نظام جمهوری اسلامی ایران قوی‌تر از آن است که به افراد متکی باشد. بلافاصله ساختارهای نظام فعال شد، رهبری جدید انتخاب شد و خامنه‌ای جوان به جای خامنه‌ای پدر انتخاب شد و دل ما آرام گرفت. اما آن لحظات را هیچ وقت نمی‌توانم فراموش کنم؛ در لحظه بمباران، آن قدر که نگران رهبر بودم، نگران خودم نبودم. این یک نقطه عطف در تاریخ ایران شد؛ نقطه‌ای که قدرت ایران را به دنیا نشان داد.

وزیر امور خارجه گفت:

برخلاف تصور دیگران که فکر می‌کردند این باعث ضعف و فروپاشی می‌شود، دقیقاً برعکس شد و به نقطه قوت تبدیل شد و این به برکت خون رهبر شهید و سایر شهدا بود.

غسان بن جدو: به خدا قسم دکتر، شما مرا شگفت‌زده کردید. من فکر می‌کردم مسائل ایران را دنبال می‌کنم، اما این را اولین بار است که می‌شنوم که شما در دفتر ایشان بودید و از زیر آوار خارج شدید. خدا را شکر که سالم هستید. آیا درست است که گفته می‌شود به رهبر شهید توصیه شده بود که محل را ترک کنند؟

عراقچی در پاسخ گفت :

نقل شده که ایشان فرموده بودند: زمانی به پناهگاه می‌روم که همه مردم ایران امکان رفتن به پناهگاه را داشته باشند و چون این امکان برای همه نیست، من هم کنار مردم می‌مانم و هر اتفاقی برای مردم بیفتد برای من هم بیفتد. این تفاوت رهبری بر قلب‌ها با رهبری معمولی است. رهبر ما بر قلب‌ها حکومت می‌کرد. رهبری بر قلب هم این است که همراه مردم و در کنار مردم باشید و رهبر ما با خون خود آن را ثابت کرد.

غسان بن جدو: آیا انتظار جنگ را بعد از بازگشت از ژنو داشتید؟

وزیر امور خارجه گفت:

روز جمعه، همه شواهد نشان می‌داد که جنگ رخ خواهد داد. ما حتی پیش از مذاکرات ژنو نیز احتمال جنگ را بسیار بالا می‌دانستیم پیش از آغاز مذاکرات، این موضوع را در مجلس شورای اسلامی نیز مطرح کرده بودم؛ هم در جلسه‌ای غیرعلنی و هم بعداً در مصاحبه‌ای اعلام کردم که ما برای مذاکره می‌رویم، اما همه احتمالات، از جمله وقوع جنگ را نیز در نظر داریم. نیروهای مسلح ما آماده هستند و دولت نیز برای هر شرایطی آمادگی دارد با این حال، ما به عنوان دستگاه دیپلماسی وظیفه خود می‌دانستیم که مسیر مذاکره را نیز دنبال کنیم. بنابراین، با آمادگی کامل نسبت به هر حادثه‌ای، از جمله احتمال جنگ، در این مذاکرات شرکت کردیم و در سطح راهبردی هرگز غافلگیر نشدیم. البته ممکن است در سطح تاکتیکی، برخی رخدادها مانند شهادت بعضی افراد غافلگیرکننده بوده باشد، اما در سطح راهبردی چنین نبود. دلیل آن نیز این است که کمتر از دو ساعت پس از حمله، پاسخ ما آغاز شد. با وجود آنکه برخی فرماندهان به شهادت رسیده بودند، واکنش انجام شد و موشک‌ها شلیک شدند. این نشان می‌دهد که همه چیز از قبل پیش‌بینی و آماده شده بود. تمام سناریوها مشخص شده بود؛ اینکه در صورت حمله چه اقداماتی باید انجام شود، چه فرماندهان حضور داشته باشند و چه نداشته باشند، حتی برای هر فرمانده تا چند سطح جانشین تعیین شده بود تا در صورت شهادت، بلافاصله جایگزینی وجود داشته باشد. به همین دلیل، پاسخ ما تقریباً بلافاصله و در فاصله‌ای کوتاه آغاز شد. دستورات لازم از پیش داده شده بود و این اقدام بر اساس همان طرح‌ها و ابتکارات صورت گرفت.

غسان بن جدو: آیا ترامپ، اسرائیل، تانیاوو و کشورهای متحدشان از سرعت، قدرت و گستردگی پاسخ ایران غافلگیر شدند؟

عراقچی در پاسخ به این پرسش تصریح کرد :

به نظر من، همه جهان غافلگیر شد. هیچ‌کس انتظار نداشت که با توجه به ضرباتی که وارد شده بود، ایران بتواند به این سرعت پاسخ دهد و مهم‌تر از آن، بتواند چهل روز مقاومت کند. این موضوع شوخی نیست که کشوری در برابر یکی از بزرگ‌ترین قدرت‌های نظامی جهان، که حتی به سلاح هسته‌ای مجهز است و در کنار آن، در برابر یک نیروی نظامی دیگر مانند رژیم صهیونیستی، چهل روز ایستادگی کند و در نهایت آن‌ها را وادار به درخواست مذاکره و آتش‌بس نماید. من با بسیاری از مقامات کشورهای مختلف، چه در منطقه و چه خارج از منطقه، گفت‌وگو داشتم. تعابیر جالبی به کار می‌بردند؛ برخی می‌گفتند ایران در این جنگ خود را ثابت کرد، برخی دیگر می‌گفتند ایران از این جنگ قوی‌تر بیرون آمد و برخی نیز از «شگفتی» سخن می‌گفتند. در مجموع، این جنگ به نقطه قوت ایران تبدیل شد. هرچند خساراتی نیز وارد شد، اما از نظر راهبردی دستاوردهای بسیار مهمی حاصل شد. جهان دریافت که قدرت واقعی مردم و دولت ایران تا چه اندازه است و متوجه شدند که با کشوری قدرتمند روبرو هستند که باید با آن تعامل کنند. همچنین، بسیاری از مسائل منطقه‌ای نیز در جریان این جنگ روشن شد. مشخص شد که حضور نیروهای آمریکایی در منطقه نه تنها کمکی به امنیت نکرده بلکه در مواردی به عامل ناامنی تبدیل شده است. کشورهای منطقه بر اساس محاسبات امنیتی خود، پایگاه‌های نظامی در اختیار آمریکا قرار داده بودند و به نوعی امنیت خود را به چتر حمایتی آن وابسته کرده بودند. اما در عمل مشخص شد که این چتر امنیتی نه تنها مفید نبوده، بلکه حتی به ضد امنیت تبدیل شده است. اگر این پایگاه‌ها در کشورهای منطقه وجود نداشت، اساساً حمله‌ای نیز متوجه آن‌ها نمی‌شد. به عبارت دیگر، همان پایگاه‌هایی که قرار بود امنیت ایجاد کنند، خود به عامل ناامنی تبدیل شدند. به نظر من، این موضوع نگاه امنیتی در منطقه را دگرگون کرده است و کشورهای منطقه باید به دنبال سازوکارهای جدیدی برای تأمین امنیت و ثبات جمعی باشند. این دیدگاه اکنون در میان رهبران، مقامات، رسانه‌ها و اندیشکده‌های منطقه در حال شکل‌گیری است. به اعتقاد من، این جنگ نقطه عطفی برای منطقه، به‌ویژه منطقه خلیج فارس بود تا به سمت ساختارهای امنیتی بومی و مستقل از قدرت‌های خارجی حرکت کند. این یک تحول مهم و اساسی خواهد بود. من فکر می‌کنم این تحول دیر یا زود اتفاق خواهد افتاد، چرا که اکنون تجربه‌ای روشن در اختیار داریم. و امیدوارم که آینده منطقه ما به لحاظ امنیتی بهتر از گذشته خواهد بود.

برچسب ها: [وزارت امور خارجه](#) [1]
[رهبر انقلاب](#) [2]
[جنگ](#) [3]